

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش: الحاج داکتر امین الدین «سعیدی- سعید افغانی»

۰۴ جون ۲۰۱۶

تفسیر احمد- ۹

ترجمه و تفسیر سوره الطارق- ۲

به ادامه گذشته:

«إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ» (۸) (بی گمان خداوند بر باز آفریدنش تواناست). خداوندی که انسان را از آبی جهنده آفریده است، آبی که از این جای سخت و دشوار بیرون می آید ، برای بازگرداندن انسان در آخرت و زنده کردن دوباره او برای جزاء و سزاء توانا است، مفسیرین در معنی این آیت به صورت کل می فرمایند: « همانا خداوند بر برگرداندن آن آب که از کمر جهیده شده است، تواناست. » البته هرچند که این معنی صحیح می باشد، اما این معنی از آیت مدّ نظر نیست، به همین خاطر به دنبال آن فرمود:

«يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ» (۹) (روزی که رازهای نپهان آشکار می گردد).

در روزی که خوبی ها و بدی هائی که در دل ها پنهان است بر چهره ها آشکار می گردد . همان طور که خداوند متعال می فرماید: «يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ» روزی که چهره هائی سفید و چهره هائی سیاه می گردند. در دنیا بسیاری از چیزها پنهان و پوشیده می ماند و برای مردم آشکار نمی شود اما در روز قیامت نیکی نیکوکاران و بدی بدکاران آشکار می گردد و همه چیز علنی می شود.

«فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ» (۱۰) (آن گاه او نه قوتی داشته باشد و نه یاری دهنده ای). او توانی برای دفاع از خودش ندارد و نه کسی دارد که او را کمک نماید.

«وَالسَّمَاءَ ذَاتَ الرَّجْعِ» (۱۱) (قسم به آسمان پی در پی بر گردانند). مفسرین در معنای « رجع » می نویسند که : رجع آن بارانی است که پشت سر هم باشد ، یعنی یک مرتبه ببارد و ختم شود ، سپس بر گردد و ببارد .

قسم به آسمان باران دار که هر سال از آن باران می بارد و زمین را می شکافد و گیاهان می رویند و به وسیله آن انسان ها و حیوانات زندگی می کنند و همیشه تقدیر و شوون الهی در آسمان انجام می پذیرد، زمین روز قیامت می شکافد و مردگان از آن بیرون می آیند.

«وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ» (۱۲) (و قسم به زمین شکافنده) که برای بیرون آوردن گیاهان، اشجار، آتشفشانها و... شکافته می شود و این پدیده ها از آن بیرون می آیند.

«إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ» (۱۳) (بی گمان که این است گفتاری جدا کننده). قرآن حق و راست و روشن و واضح است. که در میان حق و باطل فیصله می کند و جدائی می افکند.

« وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ » (۱۴) (ونیست یاوه و بیهوده). قرآن گزافه و شوخی نیست بلکه قرآن کلام جدی است. سخنی است که میان احزاب و اندیشه ها قضاوت می نماید و مجادلات به وسیله آن حل و فصل می شود.

در حدیث شریف به روایت علی کرم الله وجهه آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «بی گمان فتنه ای در پیش است». علی می گوید: گفتم؛ یا رسول الله! پس راه بیرون رفت از آن فتنه چیست؟ فرمودند: «کتاب الله تبارک و تعالی: راه بیرون رفت از آن فتنه، کتاب خدای تبارک و تعالی است؛ فیه نبأ من قبلکم، وخبر ما بعدکم، وحکم ما بینکم، هو الفصل لیس بالهزل، من ترکه من جبار قصمه الله ومن ابتغی الهدی فی غیره أضله الله وهو حبل الله المتین، ونوره المبین، وهو الذکر الحکیم، وهو الصراط المستقیم، وهو الذی لا یخلق علی کثیره الرد ولا تنقضی عجائبه، هو الذی لم تنته الجن لما سمعته أن قالوا: ... » «در قرآن خبر پیشینیان شما، خبر پسینیان شما و قضاوت در میان شماست، قرآن سخنی است قاطع و فیصله کن که شوخی و بازیچه نیست. هر کس آن را از سر گردن کنی و استکبار فرو گذارد، خداوند متعال او را کمر شکن می کند و هر کس هدایت را در غیر آن طلب کند، خداوند متعال او را گمراه می کند. قرآن ریسمان مستحکم خداوند متعال و نور مبین او و ذکر حکیم و صراط مستقیم است. قرآن است که هواها با آن به کجی و انحراف نمی گرایند، زبانها بدان التباس و ابهام پیدا نمی کنند، آراء بدان شاخه شاخه نمی شود، علماء از آن سیر نمی شوند، پرهیزکاران از آن ملول و دلتنگ نمی گردند و با وجود بسیاری تکرار، کهنه نمی شود و عجایب و شگفتی های آن به پایان نمی آید و قرآن است که چون جنیان آن را شنیدند، بی درنگ گفتند: (ما قرآن عجیبی را شنیدیم که به سوی رشد راه می نماید) «جن/۲ - ۱». هر کس به علم قرآن مجهز گشت، پیش تاخت و هر کس به قرآن سخن گفت، راست گفت و هر کس به سوی قرآن دعوت کرد، به سوی راه راست هدایت شد».

قرآن عظیم الشأن مشعلی است که خاموش نمی شود و چراغیست که روشنی آن فرو نمی نشیند، قرآن کتابیست که حق و باطل را از هم جدا می کند، شک و تردید را از اذهان دور می سازد، خواندن و شنیدن آن قلب را صیقل و جلا می دهد، اطمینان و آرامش را به انسان به ارمغان می آورد.

قرآن کتاب رهنمای و چراغ بشریت است و در زندگی انسان نقش حیاتی و اساسی دارد.

قرآن کتابی نیست که فقط برای هدایت انسانها که یک هزار و چارصد سال قبل می زیستند نازل گردیده باشد، بلکه قرآن کتابی است برای بشریت و در طول تاریخ بشریت تا این که بشریت زنده است قرآن مورد رهنمائی ایشان می باشد.

انسان زمانی می تواند به ترقی اصلی و واقعی دست یابد، که به هدایات قرآنی گوش فرا دهد.

انسان زمانی می تواند به سعادت اصلی و ابدی دست یابد که به قرآن کریم و دساتیر آن مراجعه نماید.

ای مسلمانان به یاد داشته باشید!

تجربه زندگی نشان داده است که هر کسی که در راه قرآن باشد و با قرآن دوست باشد، آن را بخواهد و برای آن ارزش و احترام قائل باشد، مطمئن باشید که جواب اعتماد قرآن را به دست خواهد آورد.

قرآن انسان را در زندگی تنها نمی گذارد، قرآن کتابی است که انسان را در غم و شادی همراهی می کند.

به یاد داشته باشید که قرآن دوست و رفیق نیمه راه نیست، کتابی است که انسانها را به عبادت همراه با روحیه و نشاط و شادی دعوت می نماید.

اگر دوست انسان قرآن باشد حتماً طرفدار این دوستی خداست و چه کسی قوی تر و مطمئن تر از پروردگار است؟ و چه کسی قوی تر و مطمئن تر از الله در حمایت از کسی است؟

سراسر این کتاب و عظمت و نصیحت و پر از کلام شیرین و احترام به مقام والای انسان است. عمل به دستاویز این کتاب، نه تنها موجب وحدت و یک پارچگی مسلمانان رافراهم می سازد، بلکه اعتماد کلیه انسانهای روی زمین را درخواست می نماید.

قرآن به عنوان تکیه گاه مسلمانان جهان و عامل اتحاد در وحدت مسلمانان به شمار می رود. این کتاب آسمانی نقطه قوت مسلمانان و نقطه ضعف و خار چشم دشمنان اسلام و مسلمانان بوده و خواهد بود.

«إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا» (۱۵) (همانا ایشان تدبیر می سنجند تدبیر سنجیدنی).

کسانی که قرآن و پیامبر را تکذیب می کنند سخت نیرنگ می ورزند تا با نیرنگ خودشان حق را شکست دهند و باطل را یاری کنند. خداوند می فرماید:

«وَأَكِيدُ كَيْدًا» (۱۶) (و تدبیر می سنجم تدبیر سنجیدنی). من نیز برای اظهار حق و دور کردن باطلی که آورده اند تدبیر می نمایم. هر چند کافران این را ناپسند بدانند و مشخص است که پیروز چه کسی است، چرا که انسان بسی ناتوان تر و حقیرتر است از آن که خداوند توانمند و دانا را شکست دهد.

«فَمَهَلَّ الْكَافِرِينَ أَهْمُ لَهُمْ رُويًا» (۱۷) (پس به کافران مهلت بده، اندک زمانی آنان را رها کن). مدت کمی به کافران مهلت بده که عذاب آن ها را فرا می گیرد. آنان سرانجام کارشان را خواهند دانست.

نقش تخم زن و مرد در جنین:

در آیت «يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ» موضوع بحث خلقت و از آنجمله موضوع جنین مورد بحث قرار گرفت: جنین در لغت به معنای پوشاندن چیزی از حواس است و به طفل که در شکم مادر، از آن رو که پوشیده و پنهان است جنین گفته می شود.

در صحیحین حدیثی از حضرت انس رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَكَلَّ بِالرَّحِمِ مَلَكًا، يَقُولُ: يَا رَبِّ نُطْفَةٌ، يَا رَبِّ عَلَقَةٌ، يَا رَبِّ مُضْغَةٌ، فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَقْضِيَ خَلْقَهُ قَالَ: أَذْكَرٌ أَمْ أُنْثَى، شَقِيٌّ أَمْ سَعِيدٌ، فَمَا الرِّزْقُ وَالْأَجَلُ، فَيَكْتَتُبُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ». (بخاری (۶۵۹۵) و مسلم (۲۶۲۴)). یعنی: خداوند فرشته را مأمور رحم زن حامله می کند و پس از استقرار نطفه فرشته می گوید: پروردگارا! نطفه است، پروردگارا! علقه (خون بسته) است، پروردگارا! مضغه (پاره گوشتی) است.

آنگاه که خداوند متعال اراده فرمود آن نطفه را خلق کند و بیافریند، فرشته عرض می کند: پروردگارا مرد است یا زن؟ بد بخت است یا سعادت مند؟ رزق او چیست؟ عمرش چقدر است؟ همه اینها را در زمانی که آن انسان در رحم مادر است فرشته می نویسد.

هر مرحله چهل روز طول می کشد؛ یعنی چهل روز نطفه، چهل روز علقه، و چهل روز سوم مرحله مضغه (یا تخلیق) گویند، و در انتهای مرحله مضغه، ملائکه مأمور نوشتن می گردد و از جنسیت نوزاد هم مطلع است. عبد الله بن مسعود رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «إِنَّ أَحَدَكُمْ يُجْمَعُ خَلْقُهُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا، ثُمَّ يَكُونُ عَلَقَةً مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ يَكُونُ مُضْغَةً مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ مَلَكًا فَيُؤَمِّرُ بِأَرْبَعِ كَلِمَاتٍ...» (بخاری: ۳۲۰۸).

یعنی: نطفه هر یک از شما مدت چهل روز در رحم مادر، جمع می شود. سپس تا چهل روز دیگر، به شکل خون بسته (علقه) در می آید و بعد از چهل روز دیگر، به پاره گوشتی (مضغه)، تبدیل می شود. آنگاه، خداوند، فرشته ای را می فرستد و او را به نوشتن چهار چیز، مأمور می کند..

در انتهای مرحله مضغه است که تخلیق روی می دهد، به دلیل فرموده الله تعالی: «فَأَنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِنُبَيِّنَ لَكُمْ» (سوره حج ۵). یعنی: ما شما را از خاک آفریدیم، سپس از نطفه و بعد از خون بسته شده، سپس از «مضغه» (چیزی شبیه گوشت جویده شده)، که بعضی دارای شکل و خلقت است و بعضی بدون شکل؛ تا برای شما روشن سازیم (که بر هر چیز قادریم).

مخلقه: یعنی پاره‌ای از گوشت دارای صورت واضح، هیأت روشن و خلقت کامل؛ از چشم و دهان و دست و پا و غیره است.

پس در انتهای مرحله مضغه (که از روز هشتاد شروع می شود و تا صد و بیت روزه طول می کشد) اندک اندک شکل جنین ظاهر می گردد و جنسیت آن نیز به ملائکه مأمور خیر داده می شود.

درحالی که ظاهر آیت آنست که کسی جز الله تعالی جنسیت نوزاد را نمی داند، چنان که می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيَنْزِلُ الْأَعْيُنَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَادَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (سوره لقمان ۳۴).

یعنی: آگاهی از زمان برپائی قیامت مخصوص خداست، و اوست که باران را نازل می‌کند، و آنچه را که در رحم‌ها(ی مادران) است می‌داند، و هیچ کس نمی‌داند فردا چه به دست می‌آورد و هیچ کس نمی‌داند در چه سرزمینی می‌میرد؟ خداوند عالم و آگاه است.

حال با جمع بین این آیت و حدیث فوق الذکر نتیجه می‌گیریم که معنای آیت این است که: قبل از خلقت نوزاد (یعنی قبل از اتمام مرحله سوم یعنی مرحله تخلیق)، این تنها خدا است که جنسیت او را می‌داند، ولی بعد از خلقتش (بعد از تخلیق) و بعد از آن که به فرشته امر شد تا زمان اجل او را ثبت کند و جنسیت جنین به وی خبر داده شد، علم به جنسیت جنین دیگر جزو غیبیات نیست بلکه جزو عالم شاهده است، زیرا ملائکه مأمور نیز از جنسیت نوزاد مطلع شده پس از حالت غیبی خارج شده، از اینرو انسان هم می‌تواند از طریق ابزارآلات پیشرفته جنسیت جنین را بعد از اتمام مرحله مضغه (چهار ماه) از شکل‌گیری القاح بداند و لذا دانستن این امر توسط دستگاههای طبی تضادی با آیت قرآن ندارد.

امام ابن کثیر رحمة الله در تفسیر این آیت می‌نویسد: «جز خدای متعال کسی نمی‌داند که او چه چیزی می‌خواهد بیافریند، اما هرگاه به مذکر یا مؤنث بودن یا بدبخت یا خوشبخت بودن جنین امر کرد، ملائکه مؤکل او نیز به آن آگاه شده و همچنین (بعد از وی) هرکس دیگری از مخلوقاتش را که بخواهد آگاه می‌شود».

نکته دیگر این که: خدای متعال در آیت مذکور به طور عموم فرموده: «وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ» یعنی: «و آنچه را که در رحم‌ها(ی مادران) است می‌داند».

در این آیت مخصوصاً به جنسیت جنین اشاره نکرده است؛ بلکه فرموده که از احوال جنین آگاه است و مسلماً دانستن جنسیت جنین تنها یکی از موارد احوال جنین است، اما دیگر موارد از قبیل: مقدار زمانی که جنین در شکم مادرش به سر خواهد برد، و مقدار حیاتش، و اعمال او، و مقدار رزقش، و شقاوت یا سعادت او نیز از دیگر مواردی است که داخل در عموم آیت می‌شود که تنها خداوند متعال از آن آگاهی دارد.

و اما در مورد جنسیت جنین:

جنین از ترکیب رشد یافته اسپرم مرد با تخمک زن حاصل می‌شود، یعنی هرگاه اسپرم مرد، تخمک زن را بارور کرد و القاح صورت گرفت، این تخمک بارور شده به مرور شروع به تکثیر سلول و رشد می‌کند و به جنین تبدیل می‌شود.

شود، اما برای آن که بدانیم که دختر یا پسر بودن جنین چگونه حاصل می شود نخست باید بدانیم که: هر انسانی (چه زن یا مرد) دارای ۲۳ جفت از کروموزوم ها هستند که از بین این ۲۳ جفت، فقط یک جفت آنها نقش تعیین کننده در جنسیت جنین دارد و به آن (Sex Pair) یا (زوج جنسی) گویند، ولی ۲۲ جفت بقیه غیر جنسی هستند. از طرفی دو نوع کروموزوم (X) و (Y) وجود دارد، که (Y) کروموزوم نر و (X) کروموزوم ماده نام دارد، و این دو کروموزوم تعیین می کنند که آیا جنین مذکر خواهد شد یا مؤنث؟ اسپرم مردان حاوی دو نوع مختلف از کروموزوم می باشد: برخی از اسپرم ها دارای کروموزوم (X) هستند و برخی دیگر دارای کروموزوم (Y) هستند.

ولی تخمک زن تنها یک نوع کروموزوم دارد و آن نیز کروموزوم (X) است.

حال اگر از میان میلیونها اسپرمی که در منی مرد وجود دارد، یک اسپرم از نوع (X) با تخمک زن که همواره از نوع (X) است بارور شود، جنین حاصل دختر خواهد شد (XX)، و اگر اسپرمی از نوع (Y) با تخمک زن بارور شود، جنین حاصل پسر خواهد شد (Xy).

بنابراین زوج جنسی زنان شامل دو کروموزوم (Xx) و زوج جنسی مردها نیز شامل دو کروموزوم (Xy) می باشد.

$$22 + X + X = 44 + XX \quad \text{۲۲ جفت از کروموزوم های زن}$$

$$22 + X + Y = 44 + XY \quad \text{۲۲ جفت از کروموزوم های مرد}$$

و باز نتیجه می شود که هر زنی دارای یک زوج جنسی شامل دو کروموزوم (Xx) و ۲۲ جفت کروموزوم غیر جنسی است، و هر مردی دارای یک زوج جنسی شامل دو کروموزوم (Xy) و ۲۲ جفت کروموزوم غیر جنسی می باشد.

پس طبق مطالب گذشته در می یابیم که هرگاه اسپرم مرد از نوع (Y) موفق به بارور کردن تخمک زن شود، فرزند متولد شده به اذن الله تعالی پسر خواهد بود، و هرگاه اسپرم مرد از نوع (X) موفق به بارور کردن تخمک زن شود، فرزند متولد شده به اذن الله تعالی دختر می شود، بنابراین اسپرم مرد نقش تعیین کننده ای در جنسیت جنین دارد، و اگر تعداد اسپرمهای (Y) در منی مرد بیشتر باشد، به همان اندازه احتمال پسر بودن جنین بالاتر می رود، و بالعکس؛ اگر تعداد اسپرمهای از نوع کروموزوم (X) در منی مرد بیشتر باشد، احتمال دختر بودن جنین بالاتر می رود، لذا پزشکان سعی می کنند تا از روشهای مختلف برای رسیدن به جنسیت مطلوب، درصد یکی از این اسپرمها را در منی مرد بالا ببرند، و یکی از این روشها بالا بردن حجم منی مرد است، چرا که ثابت شده هر قدر حجم منی مرد زیاد باشد چون اسپرم (Y) در آن بیشتر می شود، بنابراین احتمال این که جنین پسر باشد بالاتر می رود.

اسپرم از یک سر و یک دم تشکیل یافته است که به طور کلی اندازه اسپرم های X اندکی بزرگتر از اسپرم های Y است و این تفاوت اندازه بر روی سرعت حرکت اسپرم ها تأثیر می گذارد چنانچه سرعت حرکت اسپرمهای Y بیشتر از اسپرمهای X است که متعاقباً بر روی جنسیت فرزند تأثیر دارد.

اما باید متوجه یک نکته مهم بود که این تنها نوع اسپرمهای مرد نیست که در تعیین جنسیت جنین تأثیر دارد، چرا که بار الکتریکی روی سطح تخمک و سطح یونی موجود در اطراف تخمک می تواند تا حدودی در جذب اسپرماتوزوئید X و Y نقش داشته باشد.

ما مسلمانان به قرآن عظیم الشان و احادیث نبوی ایمان راسخ و جازم داریم و هرآنچه که آنها بگویند بدون چون و چرا آن را تصدیق کرده و ایمان می آوریم، حال چه با عقل و فطرت ملحدان جور باشد یا نباشد و چه با علم خام و ناقص بشری سازگار باشد یا نباشد، چه علم روز آن را اثبات کرده باشد و یا هنوز کشف نکرده باشد. چرا که خداوند متعال خود خالق انسان و دیگر مخلوقاتش است و بدون تردید خالق بهتر و بیشتر از هرکس دیگری با

خصوصیات مخلوقش علم و آگاهی دارد، بنابراین علم خداوند به خصوصیات جسمی انسانها کامل است و نقصی در آن نیست و هر آنچه در مورد مخلوقاتش بگوید درست و دقیق است و همینطور پیامبرش نیز از طریق وحی با خداوند متعال در ارتباط است و لذا هر آنچه او بگوید باز مقبول و صحیح است و او بدون اذن الله تعالی حکم نمی کند، بنابراین واقعیت و حقیقت همانست که آنها می گویند و اگر علم با آن سازگار بود این نشانه اینست که آن علم به حقیقت دست یافته و اگر گفته های خدا و رسول در ظاهر با علم روز سازگار نبود، پس باید بدانیم که یا علم هنوز به آن حد بلوغ و تکامل نرسیده که بتواند آن حقیقت را کشف کند و یا آن که آنچه که علم خلاف کلام خدا و رسول می گوید علمی نادرست و اشتباه است، کما این که می بینیم در بسیاری از فرضیه های علمی که در چندین دهه جزو ثوابت علمی محسوب می شدند در دنیای امروز رد می شوند و فرضیه جدید ارائه می شود، پس این علم است که با معیار کتاب و سنت سنجیده می شود نه این که کلام خدا و رسولش را با علم بسنجیم !

در هر حال ما ایمان راسخ داریم که کلام خدا و رسول الله صلی الله علیه وسلم عین حقیقت هستند و هیچ تضادی با واقعیت علمی ندارند، مگر آن که علمی ناقص یا نادرست باشد و کسی بخواهد با آن مقایسه کند. مهم برای ما مسلمانان فقط کلام خدا و رسولش است، بعد از آن می گوییم: « **سمعنا و اطعنا و آمننا** » یعنی : شنیدیم و اطاعت کردیم و ایمان آوردیم.

و کسی که اینگونه نباشد یا فردی منافق است و یا شخصی ضعیف الایمان و جاهل است که هنوز با معنای ایمان به خدا و دینش آگاهی ندارد!

صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الکریم.

فهرست:

معلومات مؤجز

اسباب نزول

آشنائی با سوره

ترجمه مؤجز

تفسیر مؤجز

نقش تخم زن و مرد در جنین

و اما در مورد جنسیت جنین

منابع و مأخذ:

- شرح الدروس المهمة لعامة الأمة. نویسنده: شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز رحمة الله.

- تفسیر راستین تألیف علامه شیخ عبدالرحمن بن ناصر السعدی ترجمه تیسیر الکریم الرحمن

- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم (تألیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از

عبد الکریم ارشد فاریابی

- تفسیر انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤف مخلص هروی

- فیض الباری شرح صیح البخاری داکتر عبد الرحیم فیروز هروی

- تفسیر طبری - امام المفسرین

- تفسير الميزان
- تفسير پرتوى از قرآن
- تفسير القرآن الكريم - ابن كثير (متوفى سال ۷۷۴ هـ)
- امام سيوطى كتاب « اسباب النزول »
- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفهانى
- جلوه هاى از اسرار قرآن حكمتيار
- تفسير معارف القرآن مؤلف حضرت علامه مفتى محمد شفيع عثمانى ديوبندى مترجم مولانا محمد يوسف حسين پور
- تفسير فى ظلال القرآن/ سيد قطب (متوفى سال ۱۳۸۷ هـ)
- تفسير نور تآليف دكتور مصطفى خرم دل
- تفسير كابلى (تآليف: شيخ محمود الحسن ديوبندى مترجم: هياتى از علمائى افغانستان)
- صحيح مسلم
- صحيح البخارى